

# فدرالیسم و ایران

## استان گرانی

بکار بردن اصطلاحات غربی موجب سردرگم شدن فارسی زبانها در تفهیم و شفاف شدن موضوعات میگردد.

اصطلاح «فدرالیسم» که منظور از آن «سیستم سیاسی است که بر طبق آن یک مملکت از اتحاد ایالات مستقل تشکیل میشود» مأخوذ از واژه «فدراسیون» بزبان فرانسه است که معنی آن «اتحاد چند کشور، اتحاد چند استان، اتحاد چند دسته از مردم و همچنین سازمان یا انجمنی که برای اداره کردن رشته ای از ورزش تشکیل میشوند.»

کشورهایی که تاکنون با بکار بردن این اصطلاح نوع حکومت خود را معرفی نموده اند به ترتیب حروف الفبا عبارتند از :

1- جمهوری فدرال آلمان که از تاریخ اتحاد مجدد آلمان در تاریخ 1990/10/3 آغاز شده است. (توضیح آنکه تاریخ استقلال کشور آلمان همزمان با تشکیل امپراتوری آلمان در سال 1871 بوده است)

2- جمهوری دموکراتیک فدرال اتیوپی، که این کشور دارای قدمت تاریخی بوده و حدود سی قرن با سیستم سلطنت توارثی اداره میشده و پس از سقوط هایل سیلاسی، از اصطلاح «فدرال» بهره جسته است.

3- ایالات متحده آمریکا «تاریخ استقلال 1776/7/3 از انگلستان! پس از جنگهای استقلال در آمریکا، که خود نوعی جمهوری «دموکراتیک» میباشد.

4- جمهوری فدراتیو برزیل تاریخ استقلال 1822/9/7 از برزیل.

5- اتحاد جماهیر شوروی سابق و «فدراسیون روسیه» فعلی.

6- فدراسیون «سنت کیتس و نویس» تاریخ استقلال 1983/9/19 از انگلستان!

7- فرمانداری کل کانادا تاریخ رسمیت 1867/7/1 از انگلستان! رئیس حکومت «ملکه الیزابت»!

8- جماهیر عربی خلق لیبی - تاریخ استقلال 1951/12/24 از ایتالیا.

9- جمهوری مارشال (جزایر)، واقع در شمال شرقی اقیانوسیه در اقیانوس کبیر (آرام)، تاریخ استقلال 1990/12/28 از آمریکا!

10- ایالات متحده مکزیک تاریخ استقلال 1810/9/16 از مکزیک.

11- ایالات متحده میکرونزی، در شمال شرقی استرالیا تاریخ استقلال 1990/12/22 از آمریکا!

12- جمهوری فدرال یوگسلاوی، تاریخ استقلال 1918 از بلغارستان.

نوع دیگری از اداره کشور به شیوه فدرالیسم، سیستم حکومت کشورهای است که از ترکیب دو و یا سه کشور تشکیل شده اند و با اینکه از عنوان «فدرال» چشم پوشی نموده اند عملاً و ظاهراً بصورت فدرالیسم اداره میشوند، مانند:

1- کشورهای «آنتیکوا و باربودا» که از تاریخ 1981/11/1 از انگلستان فرمان استقلال! را دریافت نموده اند.

2- امارات متحده عربی که در تاریخ 1971/12/2 که بوسیله انگلستان از نعمت استقلال بهره مند گردیده اند.

3- دولت بریتانیا با قدمت تاریخی که از ترکیب دو ایالت «انگلستان و ایرلند شمالی» تشکیل شده است که پس از حدود دو قرن پیکار مداوم هنوز به توافق نرسیده اند.

4- جمهوری بوسنی و هرزگوین تاریخ استقلال 1991/10/15 از یوگسلاوی.

5- جمهوری متحد تانزانیا (واقع در جنوب شرقی آفریقا) که با متحد شدن کشورهای تانگانیا و زنگبار بوجود آمده است، تاریخ استقلال تانگانیا 1961 و زنگبار 1963 و اتحاد هر دو کشور با هم در سال 1964.

6- جمهوری «ترینیدا و توباگو» در شمال آفریقا ساحل دریای مدیترانه تاریخ استقلال 1962/8/31 از انگلستان!

7- جمهوری دموکراتیک «سائومه و پرنسپ» جزایر واقع در اقیانوس اطلس در مغرب قاره آفریقا، تاریخ استقلال 1975/7/12 از پرتغال.

8- فرمانداری کل سلیمان «جزایر» در شمال غربی قاره استرالیا، تاریخ استقلال 1978/7/7 نوع حکومت فرمانداری با یک مجلس قانون گذاری، از انگلستان!

9- کشور «سنت وینسنت و گرنادین» در جنوب غربی قاره آسیا، تاریخ استقلال 1979/10/27 از انگلستان!

همانطور که ملاحظه میشود، کشورهای بسیاری در سراسر عالم با نوعی از انواع فدرالیسم علی الظاهر عنوان «فدرالیسم» را بدنبال نام خود یدک میکشند ولی با نگاهی گذرا به تاریخ این همه کشور قدیمی و جدید الاستقلال، به این حقیقت برمخوریم که عناوین «فدرالیسم» و «فدراسیون» تنها یک فرضیه فریبده سیاسی است و حتی استقلال حکومت مرکزی بسیاری از این کشورها مورد سؤال است، چه رسد به موضوع فدرالیسم!

باید اضافه کنیم اگر بر فرض محال این عنوان در مورد کشورهای فوق الذکر واقعیت هم داشته باشد، گذشته از اینکه شرایط جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی آنان هیچ مشابهتی با موجودیت کشور ما ایران ندارد، بنظر نمیرسد که هیچ ایرانی میهن پرست مایل باشد چنین سرنوشت سیاسی از طرف قدرتهای بیگانه به کشورمان تحمیل گردد که فقط به یک عنوان سیاسی ظاهر فریب دلخوش باشیم.

الگوی راستین و حقیقی «استان گرایی و خودگردانی استانها» در ایرانزمین دارای هزاران سال سابقه تاریخی میباشد و بطور کلی موجودیت کشور ما در طول هزاران سال براساس همین شیوه سیاسی و مملکت داری بوده است.

برای ما ایرانیان استفاده از اصطلاحات سیاسی غربی موردی ندارد، زیرا تعریف یک ملت در فرهنگ غربی به این شرح است: «ملت عبارت از آدمیانی از یک نژاد با فرهنگ و تاریخ محلی مشترک است که در اقلیمی واحد تحت یک شیوه حکومت زندگی میکنند.»

ولی در فرهنگ هزاران ساله ایران این تعبیر بکلی مردود و غلط است و بازتاب دیگری دارد.

معنی ملت در فرهنگ ایرانیان:

«ملت، به معنی اقوام و تیره های گوناگونی است که در شرائط اقلیمی مختلف، با آداب و رسوم و دین و آئین گوناگون و تاریخ محلی غیرمشابه، تحت لوای «راستی، نیکی و زیبایی» همچون افراد یک خانواده به هم وابسته و پیوسته بوده و قرنهای در کنار یکدیگر زندگی کرده اند، و هیچ عامل و مانع و رادعی موجب تحمیل یک فرهنگ به فرهنگ دیگران نشده است.

تنها در کشور ایران میتوانیم شاهد این حقیقت باشیم که طی چندین هزار سال اقوام مختلف از خلیج فارس تا کرانه های دریای خزر، از خراسان و سیستان و بلوچستان تا ماورای جبال همیشه سربلند زاگرس با حفظ تمام

شئون فرهنگی و قومی خود با هم زندگی کرده اند و به کلیه وابستگی های قومی یکدیگر حرمت نهاده و برای حفظ حدود و ثغور میهن خویش دوش بدوش هم جنگیده اند.

پیوستگی این اقوام که استانهایی مختلف ایران «ساتراپ های بیست گانه از دوران داریوش کبیر» نامیده شده بوده اند، فقط از نظر اقتصادی و نظامی بهترین نمونه همبستگی را نشان داده است، که همه با یک آرمان واحد از آب و خاک میهن بزرگ خود ایران دفاع کرده اند.

همینطور که تعریف ملت در مکتب ما صد و هشتاد درجه با قضاوت و برداشت جهان غرب تفاوت دارد، کلیه اصطلاحات متداول سیاسی مانند ناسیونالیسم - دموکراسی و بالاخره فدرالیسم، در فرهنگ دیرپای ما معانی گسترده تر و منطقی تری را حائز میباشند.

منظور نهائی ما از اصطلاح «فدرالیسم» استان گرائی و خودگردانی استانهایی میباشند که هر یک از موارد آن به عنوان امتیازی برجسته در بهترین مکاتب سیاسی غربی از آن بهره برداری شده است.

در دوران قیمومیت ایران بر جزایر تازه به تمدن رسیده دریای اژه که در قرون بعد یونان نامیده شد، (دوران هخامنشی از 2500 سال قبل) فرهنگ کهن ایران زمین بوسیله استانداران پارسی و ایرانی به آن مردم که هنوز با پوشیدن لباس آشنائی نداشته اند آموزشی داده شده است، بر اصل آزادی در خودگردانی «ساتراپ ها» استوار بوده است.

تشابه موارد این فرهنگ که ما با توجه به شرایط زمان و مکان منطبق نبوده و برای آینده ایران به هم میهنان عزیزمان پیشنهاد میکنیم بشرح زیر است:

1- محترم شمردن رسوم و آئین های قومی، مذهبی، سنتی و فرهنگی، افکار و عقاید تمام اقوام و تیره های گوناگون در سراسر ایران (کاسموپولیتانیسم)

برای نیل به این هدف بایستی کلیه مردم در سراسر کشور در پندار، گفتار و کردار خویش آزادی کامل داشته باشند شامل: آزادی در انتخاب لباس، اجرای مراسم قومی، سنتی، فرهنگی، ترویج زبان قومی و محلی، موسیقی و رقصهای محلی، و همچنین سایر امور مربوط به عادات قومی و قبیله ای که منافاتی با حقوق انسانی از نظر بین المللی نداشته باشد، بنا به تشخیص مجالس منتخبه محلی و منطقه ای.

2- خودگردانی استانهایی مختلف از نظر انتخابات آزاد و برگزیدن «بهترین ها» بدون دخالت قدرت مرکزی و آزادی کامل در اولویت دادن به برنامه های اصلاحی، آموزشی و عمرانی، بنا به تشخیص شوراهای استانی و محلی (دموکراسی) در مکاتب سیاسی غربی.

3- از آنجا که بایستی جامعه بوسیله مساعی جمعی و همکاری تمام نیروهای ثمربخش انسانی در سراسر کشور اداره شوند (کولکتیویسم)

توسعه فرهنگ و آموزش های علمی و تکنیکی و همچنین انجام برنامه ها و خدمات بهداشتی، بایستی در تمام استانهایی کشور با توجه به تناسب جمعیت و شرایط زیستی و موقعیت جغرافیائی بطور عادلانه و منطقی یکسان باشد.

انتخاب کلیه مسئولین امور در تمام سطوح اجتماعی در حوزه قدرت و اختیارات ساکنین هر استان میباشند و حکومت مرکزی و سایر استانهایی فقط در سطح پیشنهاد میتوانند افرادی را به شوراهای مرکزی استانهایی معرفی نمایند.

شورای استان در قبول یا رد پیشنهادات مختار و آزاد است (فدرالیسم)

علاوه بر اینکه قوانین قضائی و جزائی در تمام کشور یکسان است و تمام مردم در مقابل قوانین از حقوق برابر بهره مند میباشند، چنانچه مواردی با زیربنای اعتقادی قوم و اکثریت ساکنین يك استان مخالف باشد، شورای عالی قضائی در هر استان میتواند پیشنهادات خود را به وزارت دادگستری اعلام نماید تا با توجه به شرایط ویژه در مورد آن استثنائات، تصمیمات لازم اتخاذ گردد.

هر فرد از هر ملیت و قوم و تیره دیگر در مدت اقامت دائم و یا موقت خود در هر استان ملزم به اجرای قوانین و مقررات و رعایت آداب و رسوم استان مورد اقامت خود میباشد و عدم آگاهی مسافری و مهاجرین از قوانین و رسوم استان مربوطه دلیل بر برائت وی از ارتکاب اعمال خلاف در آن استان نخواهد بود.

4. کلیه امور مربوط به سیاست خارجی، اقتصاد ملی و سیاست ارزی، دفاع نظامی و غیرنظامی، و سایر برنامه های دراز مدت و مسائل مشابه، در حوزه اختیارات مجالس قانونگذاری و ملی مرکزی است که نمایندگان آن متناسب با تعداد جمعیت هر استان از سوی هر استان معرفی میشوند.

البته یادآوری کلیه موارد مختلف در این باره به کتابی مستقل نیاز داشته در این مختصر نمی گنجد ولی بطور کلی در تمام موارد لازمست سرفصل های مشروحه در بالا بعنوان الگوی کار در نظر گرفته شود.